

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) یزد

پژوهش درسنامه نگارش و ویرایش (ادبیات ۱)

* جایگاه زن در اسلام *

استاد راهنما : سرکار خانم نخکش

تهیه و تنظیم : زهرا دبیری - زهرا یوسف زاده

آذرماه ۱۳۹۵

تقدیم به تو :

* که سرور و مقتدای تو فاطمه (س) است

* و امید و خواستار تو ، رهروی راه زینب (ع)

* تو را با اسلام عزیز پیوندی راستین است

* و با قران و سنت انسی آمیخته با خون

* سرمایه تو شرف اسلامی است

* و روح تو شاداب از قداست قرآنی

بدان امیدم که :

* رشد یابنده باشی و رشد آفرین

* الهام بخش نسل اسلامی باشی

* و حافظ ارزش ها و تعالیم الهی

* که اسلام را از تو چنین توقعی است .

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند:

*اسلام طرفدار تکامل بشر است.

*برای اسلام جنس زن و مرد مطرح نیست.

*تکامل انسانی مطرح است.

*به یک مناسبت از زن تجلیل می شود،

*به یک مناسبت از مرد تجلیل می شود.

*چون دو حصه پیکره بشرند؛

*از لحاظ جنبه بشری و الهی، هیچ تفاوتی بایکدیگر ندارند.

۱۳۷۶/۷/۳۰

چکیده

از مهم ترین مقولات بسیار مهم امروزه مباحث مرتبط به حوزه زنان می باشد، یکی از دسیسه های امروزی دشمنان اسلام این است که از طریق خدشه دار کردن شخصیت انسانی این موجودی که نیمی از پیکره اجتماع انسانی را تشکیل میدهد، دین اسلام و تعالیم آسمانی آن را خدشه دار نمایند. موجودی که در اسلام از جایگاهی محترم برخوردار است که این را می توان به روشنی از تعالیم اسلام فهمید بر خلاف عقاید عصر جاهلیت و هم چنین عصر جاهلیت مدرن که هیچ گاه نتوانستند جایگاه واقعی زن را به درستی به تصویر بکشند. مسئله ای که بیشتر در این مقاله مورد نظر است بررسی جایگاه انسانی زن از دیدگاه دین مبین اسلام است. درمورد جایگاه انسانی زن سؤالاتی مطرح است که از چالش های عمیق و می توان از چند سؤال به عنوان اساسی ترین پرسش ها در باب جایگاه انسانی زن در اسلام نام برد، اما سؤالات اصلی در این زمینه این است که زن از چه جایگاه و موقعیت انسانی در دین اسلام برخوردار است؟ و سؤالاتی دیگر مانند: آیا زنان همانند مردان در گوهر خلقت و آفرینش مشترک هستند؟ آیا برای زنان هم امکان کسب کمالات انسانی مقدور است؟ آیا در سنجش اعمال زنان از جزای مساوی مردان برخوردار خواهند بود؟

Table of Contents

۵	چکیده
۶	فهرست
۸	مقدمه
۹	اشتراک زن و ذمرد در برخورد از گوهر انسانی
۹	دیدگاه قرآن:
۹	از یک نوع بودن زن و مرد
۱۰	جایگاه زن در ادوار گذشته
۱۰	انواع ظلم‌ها به زن
۱۰	زن و عذاب جهت گمراه کردن حضرت آدم علیه السلام
۱۱	زن و خانواده
۱۱	زن و تعلیم
۱۲	جایگاه زن در دین اسلام
۱۲	زن، نماد و مظهر ظرافت، جمال و سکونت
۱۲	شاخصه‌های انسانی
۱۳	عمل صالح و ایمان؛ شرط حیات طیبه
۱۳	حق‌ناپذیری بندگان، شایسته لعنت الهی
۱۳	معرفی اسوه‌های خوب و بد از جنس زن برای زنان و مردان
۱۴	اهمیت دادن به زن به گونه خاص در توصیه‌های روایی و قرآنی

۱۴		اوصاف مثبت ومنفی زنان از دیدگاه آیات و روایات
۱۴		صفات مثبت زن
۱۵		اوصاف منفی زن
۱۵		نقش های زن در خانواده از دیدگاه اسلام
۱۵		زن در نقش د ختری
۱۷		زن در نقش همسری
۱۸		زن در نقش مادری
۱۸		موقعیت اجتماعی زن در اسلام
۱۹		مشارکت سیاسی زنان
۱۹		نظریه اختلاف فیزیولوژیکی:
۱۹		نظریه اجتماعی شدن:
۲۰		نظریه روان شناختی:
۲۰		آزادی زنان
۲۱		آزادی زن در تمدن غرب
۲۱		چند پرسش و پاسخ
۲۷		منابع:

مقدمه

بسیار واضح و روشن است که هدف ما مسلمانان، رسیدن به کمالات مطلوب انسانی است. که آن هم بدون دانستن جایگاه واقعی زن در اسلام غیر ممکن است که عده ای به دلیل عدم علم به این جایگاه با برداشت های اشتباه از دیدگاه دین نسبت به زنان دچار اشتباهات و گاه خسارات جبران ناپذیر می شوند. و نیز دچار اشتباهات گوناگون نسبت به دین شده یا با شنیدن این شبهات به دلیل عدم اطلاعات کافی از دیدگاه اسلام به جایگاه انسانی زن دچار تزلزل در دین می شوند. این گونه مسائل بر ضرورت تحقیق بیش تر راجع به دیدگاه اسلام به این موضوع می افزاید.

هدف از این پژوهش بین دیدگاه اسلام به جایگاه انسانی زن است چرا که روشن شدن این مسئله تأثیر زیادی بر افکار افراد جامعه به خصوص قشر زنان جوانان جامعه که بیش تر در معرض آسیب فکری هستند، دارد. به این صورت با روشن شدن افکار نسبت به این موضوع می توان به بیداری زنان به این موضوع و بالاتر از آن اقدامات خود زن برای یافتن جایگاه واقعی خود در اسلام امیدوار بود.



اشتراک زن و مرد در برخورد از گوهر انسانی

دیدگاه قرآن:

از قرآن کریم به خوبی می توان فهمید که تفاوتی در ماهیت زن و مرد وجود ندارد هر دو در سرشت و سیرت انسانی مشترک اند یعنی چنین نیست که یکی به علت مرد بودن برتر و دیگری به دلیل زن بودن پست تر باشد بلکه انسانیت وجه مشترک این دو است.

از یک نوع بودن زن و مرد

بر اساس آیات قرآن کریم جفت انسانی از یک جنس آفریده شده اند. «و من آیاته ان خلق لکم ازواجاً» و از نشانه های او آن است که برای شما از جنس خودتان همسرانی را آفرید. در این آیه و آیات مشابه آن واژه «من» در «من انفسکم» معنای جنس را افاده می کند مقصود از جنس نیز آن چیزی است که مخاطب قرار گرفته یعنی مجموع جسم و جان زیرا انسان از این دو عنصر فرا هم آمده است اگر چه در ادامه جان از جسم جدا می شود و به طور مستقل به حیات خویش ادامه می دهد در نتیجه مفاد این آیه چنین می شود که زن و مرد از جنس مشترکی آفریده شده اند.

یکی دیگر از آیاتی که برای اثبات همانندی زن و مرد در حقیقت انسانی به آن استدلال شده آیه: «یا ایها الناس اتقو ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها...»؛ «ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید... پروا دارید...» همان طور که بعضی مفسران گفته اند این آیات با توجه دادن آحاد بشر به جود یک پیوند عاطفی بین همه انسان ها درصدد ایجاد زمینه ای برای پذیرش احکامی است که سوره نساء عهده دار بیان آنها می باشد.^۱

در این که مراد از نفس واحد چیست آراء گوناگونی از سوی مفسران ارائه شده است برخی معتقدند مقصود از آن حقیقت و گوهر انسانی است و بنابر این مفاد آیه چنین خواهد شد ای مردم از پروردگاری که همه شما

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۱۳۴

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱

را از گوه‌ری انسانی آفریده پروا دارید بنابر این تفسیر می‌توان این بخش از آیه شریفه را دلیلی بر اشتراک زن و مرد در انسانیت دانست به این معنا که جنسیت تأثیری در بهتری یا کهنتری هیچ یک از زن و مرد ندارد.

جایگاه زن در ادوار گذشته

انواع ظلم‌ها به زن

زن به عنوان نیمی از جمعیت دنیا و عضوی فعال در کانون بزرگ جامعه انسانی، همچنین یکی از دو رکن پدید آورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ دآوری‌های گوناگونی را نسبت به خود دیده است. نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که زن در بیشتر جوامع از نوعی محرومیت رنج برده است. هرچند در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، در طول تاریخ این تمایز و اختلاف شدت و ضعف متفاوتی داشته، ولی استمرار و فراگیری آن غیر قابل انکار است. زنده به گور کردن دختران در جاهلیت عرب، کشته شدن زنان به دست مردان در جامعه سومری یا فروش آنان برای ادای دین، نمونه‌ای از ظلم‌های بی‌حد و حصر به زنان است. جفاهای زیادی در طول قرون و اعصار تا به امروز نسبت به زنان رفته و می‌رود، چه از ناحیه آنانی که معتقد به مردسالاری و خدایگانی مرد در خانه بوده‌اند و چه از ناحیه جریان‌های تند و رادیکال که به آزادی مطلق زن می‌اندیشند.

زن و عذاب جهت گمراه کردن حضرت آدم علیه السلام

در کتاب مقدس و در داستان آفرینش، از زن به عنوان کارگزار شیطان در گمراه کردن آدم یاد می‌شود البته به همین دلیل، مستوجب عذاب و لعنت خداست:

«[خداوند] به زن گفت: الم (درد) زایمان تو را بسیار افزون می‌کنم؛ با الم، فرزندی خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد»^۳

اما قرآن نگاهی دیگر به این قضیه دارد؛ شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در این باره می‌گوید:

«قرآن هرگز نگفته شیطان یا مار، حوا را فریفت و حوا آدم را. قرآن نه حوا را به عنوان مسؤول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند، بلکه آن‌جا که پای وسوسه شیطان را به میان می‌کشد، ضمیرها را به شکل تشبیه می‌آورد. در آیه ۲۰ سوره اعراف می‌فرماید: «فوسوس لهما الشیطان» و حتی در برخی آیات آمده گاه آدم را به تنهایی نیز وسوسه کرده است^۴ اما سخنی از گول خوردن آدم توسط حوا وجود ندارد. چه رسد مجازات و عذابی بر این امر مترتب گردد.

۳. شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۸

۴. طه، ۱۲۰

همچنین نگرش قرآن به درد زایمان، نگرش مثبتی است که به هیچ وجه جنبه عذاب و مجازات ندارد^۵

زن و خانواده

کتاب مقدس مانند قرآن^۶ (البته با ادبیاتی متفاوت) برای مادران ارج و منزلت بالایی در نظر می‌گیرد و در مقابل فرزندان، اولویت را به مادر می‌دهد: «هر کس پدر و مادر خود را بزند هر آینه کشته شود ... هر کس پدر و مادر خود را لعنت کند، باید کشته شود»

به مردان نیز سفارش شده تا به همسران خود محبت کنند: «باید مردان، زنان خویش را مثل بدن خود محبت کنند؛ زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید، خویشان را محبت می‌نماید؛ زیرا هیچ کس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه آن را تربیت و نوازش می‌کند چنان که خداوند نیز کلیسه را»

با این حال مرد را مقدم بر زن داشته و در امور خانواده مرد را قوام و پایه زندگی می‌داند: «هر زن باید از شوهر خود اطاعت کند و شوهر نیز از مسیح؛ همان طور که مسیح هم از خدا اطاعت می‌کند» «زن را اجازت نمی‌دهم که ... بر شوهر مسلط شود» «ای زنان! هم‌چنان که از مسیح اطاعت می‌کنید، از شوهرتان نیز اطاعت کنید؛ زیرا شوهر رئیس و سرپرست خانواده است؛ همان‌طور که مسیح رئیس و سرپرست کلیساست ... پس شما زنان نیز باید در هر امری با کمال میل از شوهر خود اطاعت کنید، درست همان‌گونه که کلیسا مطیع مسیح است» این دیدگاه‌ها به صورت کلی مورد تأیید قرآن نیز است،^۷ اما در کتاب مقدس، پا را فراتر نهاده و می‌گوید: «مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است»

زن و تعلیم

در برخی از آیات عهد جدید که تمام آنها توسط پولس تنظیم شده؛ چنین آمده است: «زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد بلکه باید در سکوت بماند زیرا ... آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده در تقصیر گرفتار شد. اما به زائیدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوا ثابت بمانند» این رویکرد مخالف آیات قرآن است. در قرآن زنان نیز مانند مردان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند؛ این امر و نهی حتی در برخی مواقع می‌تواند نسبت به مردان باشد^۸ البته مشخص است که این، نیازمند یادگیری و شناخت معروف و منکر است. علاوه بر این؛ قرآن در داستان ملکه سبا^۹ می‌آورد که یک زن فرمانروا بوده و اطرافیان اختیار امور را به دست او داده بودند^{۱۰} و قرآن پس از ذکر این مطلب، نه تنها مخالفتی با آن نکرده بلکه در نهایت، این ملکه را رستگار اعلام می‌کند.

۵. لقمان، ۱۴، احقاف، ۱۵ و...

۶. اسراء، ۲۳

۷. نساء، ۳۴

۸. توبه، ۷۱

۹. نمل، ۳۳



جایگاه زن در دین اسلام

زن، نماد و مظهر ظرافت، جمال و سکونت هر موجودی مظهر نامی از نام‌های الهی است؛ زیرا خلقت که از اوصاف فعلی خداست (و نه از اوصاف ذاتی او) یعنی تجلی خالق در چهره مخلوقات گوناگون. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «همه حمدها مخصوص خدایی است که خود را از طریق آفریده‌ها به مخلوقاتش نمایاند»^{۱۰} و^{۱۱} در آموزه‌های قرآنی، انسانیت یک نوع است که مرد و زن هر دو به یک اندازه و به گونه‌ای برابر از آن برخوردارند. قرآن در این باره می‌فرماید: «خلقکم من نفس واحدۃ ثم جعل منها زوجها؛ شما را از یک نفس آفرید و همسرش را از همان نفس خلق کرد»^{۱۲}

شاخصه‌های انسانی

همچنین، در مهم‌ترین شاخصه انسانی؛ یعنی تعقل و خردورزی، زنان و مردان سهم و بهره‌ای یکسان و برابر دارند. «قل هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الابصار و الأفئدة؛ بگو او کسی است که شما را آفرید و برای

۱۰. «الحمد لله المتجلی لخلقہ بخلقہ»، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸

۱۱. جوادی آملی، عبد الله، زن در آیینه جمال و جلال، ص ۲۱، نشر اسراء، چاپ اول

۱۲. زمر، ۶

شما گوش و چشم و قلب قرار داد»^{۱۳} مفسران و دانشمندان مسلمان «افئده» در آیه فوق را به معنای اندیشه که بشر را از دیگر جانوران متمایز می‌سازد، گرفته‌اند.^{۱۴}

پوچ بودن تمامی امتیازهای نژادی، جنسیتی

وقتی خداوند می‌فرماید: «ارجمندترین موجودات نزد خدا، باتقواترین آنهاست»^{۱۵} می‌خواهد بگوید نزد من رنگ و جنس و بقیه ملاک‌های ظاهری ارزشی ندارد و اصل ایمان و تقواست.

عمل صالح و ایمان؛ شرط حیات طیبه

«هر کس کار شایسته کند - چه زن باشد چه مرد - درحالی که مؤمن باشد، قطعاً او را با بهره‌مندی از زندگانی پاکیزه‌ای حیات می‌بخشیم و جزایی فراتر از عملش به او می‌دهیم»^{۱۶}

حق‌ناپذیری بندگان، شایسته لعنت الهی

«کسانی که کافر شدند و در حالی از این جهان رفتند که در کفرشان باقی بودند، لعنت خدا و ملائکه و همه مردم شامل‌شان می‌شود»^{۱۷}

آنچه از این آیات به دست می‌آید؛ طرف خطاب خداوند انسان است. آدمی، در گرو ایمان، عقیده و عمل خود است؛ چه مرد باشد چه زن، و زن در نگاه وحی، در موضع شخصیت «انسان» است و جنسیت، تأثیری در خطوط اصلی تکالیف و شخصیت انسان‌ها ندارد.

معرفی اسوه‌های خوب و بد از جنس زن برای زنان و مردان

ادبیات قرآنی نشان می‌دهد خداوند ابایی ندارد که برای بیان منظورش از افراد و شرایط مختلف مثال بزند. چنان‌که برای معرفی افراد سعادتمند یا شقی از افراد مختلفی نام برده است که از قضا دو زن خوب را اسوه نیکوکاران و دو زن بدکار را اسوه مردمان بد معرفی می‌کند.

«و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأة فرعون إذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجنی من فرعون وعمله و نجنی من القوم الظالمین؛ خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، نمونه‌ای را - به عنوان مثال - یاد می‌کند:

۱۳. ملک ، ۲۳

۱۴. ابن خلدون ، عبد الرحمن ، مقدمه ابن خلدون ، ج ۲ ، ص ۸۶۰

۱۵. حجرات ، ۱۳

۱۶. نحل ، ۹۷

۱۷. بقره ، ۱۶۱

همسر فرعون را که (از کفر و کردار فرعون ناراضی بود و) دعا کرد: پروردگارا برای من در نزد خودت خانه‌ای در بهشت قرار بده و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان»^{۱۸}
همچنان که نمونه مردم بد را با نقل واقعیت دو زن بد (همسر حضرت نوح و حضرت لوط) بیان می‌کند.^{۱۹}

اهمیت دادن به زن به گونه خاص در توصیه‌های روایی و قرآنی

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در توصیف این جنس می‌فرمایند: «زن، چونان گلی خوشبو و لطیف است نه بسان قهرمانی خشن و ضمخت»^{۲۰}
حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله هم در بیان فضیلت مادر بر پدر می‌فرمایند: «اگر مشغول نماز مستحبی هستی و پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را خواند نماز را قطع نما»^{۲۱}
اوصاف مثبت و منفی زنان از دیدگاه آیات و روایات

صفات مثبت زن

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «بهترین خصلت‌های زنان، بدترین خصلت‌های مردان است؛ یعنی: تکبر، بخل و ترس؛ چون وقتی زن متکبر است، مرد بیگانه‌ای را به خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد، مال خود و شوهر خود را حفظ می‌کند و اگر ترسو باشد، از هر حادثه‌ای که پیش آید، کناره‌گیری و احتیاط می‌کند»^{۲۲} البته مقصود این نیست که این اوصاف، حالات روحی پسندیده هستند؛ بلکه از زنان خواسته اند که در برابر افراد نامحرم، (رفتار متکبرانه) داشته باشند. درباره ترس نیز بدون شک شجاعت، هم برای زن و هم برای مرد پسندیده است و اسلام از زن نخواستہ ترسو باشد؛ چنان که در تاریخ اسلام، زنان شجاع همانند مردان مورد تمجید بوده‌اند؛ ولی چون زنان حامل یک امانت بزرگ انسانی، یعنی همان عفت است، از او خواسته‌اند تا رفتارش آمیخته با ترس باشد؛ پس زنی که خود را در معرض خطر قرار می‌دهد و عفت خود را از دست می‌دهد، نه تنها فداکاری نکرده، بلکه خیانت کاراست. در مورد بخل نیز مسأله از همین قراراست؛ یعنی رفتار همراه با امساک؛ زیرا او در مال مشترک خانواده امانتدار است و درحفظ مال خود و همسر خود باید به طور کامل بکوشد. خصوصیات مثبت اخلاقی دیگر که در زن بیشتر از مرد است عبارتند از: شکیبایی و عاطفه و محبت نسبت به والدین و همسر.

۱۸. تحریم، ۱۱

۱۹. تحریم، ۱۰

۲۰. نهج البلاغه، نامه ۳۱

۲۱. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۲۸-۴۲۹

۲۲. نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۶۶ پ بهار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۴۲

اوصاف منفی زن

کفار می گفتند: فرشتگان از جنس ماده و زن هستند. در پاسخ به تو هم کفار، آیه ذیل نازل شد که اشاره به دو صفت منفی در زنان دارد: «او من ینشو فی الحلیه و هو فی الحصام غیر مبین»^{۲۳} یعنی آیا کسی نشو و نمای او در زیور است و در بحث و جدل منطقی نیست، سزاوار است که فرشتگان آسمانی را به او نسبت دهند. زن در قرآن مجید، به این دو صفت، باعث تنزل مقام او نیست؛ بلکه زن کامل در زن بودن، زنی است که این دو صفت را در حد اعلی و مشروع به کار بندد.

نقش های زن در خانواده از دیدگاه اسلام

زن در بُعد خانوادگی، دارای نقش ها و کارکردهای گوناگونی است. یک خانواده ی کامل از سه رکن پدر، مادر و فرزند تشکیل یافته است. بنابراین زن در خانواده می تواند دارای این چهار نقش باشد: نقش دختری، نقش خواهری، نقش همسری و نقش مادری

* جایگاه زن در اسلام *

وقتی که دختر است، دری از درهای بهشت برای والدینش می باشد.

وقتی که همسر است، نیمی از دین همسرش را کامل می کند.

وقتی که مادر است، بهشت در زیر قدمش قرار دارد

زن در نقش دختری

بررسی متون روایی نیز بیانگر ارزشمندی دختران از دیدگاه اسلام است. همچنان که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «از میمنت و خوش قدمی یک زن این است که اولین فرزندش دختر باشد»^{۲۴} و نیز آمده است: «دختران، بهترین فرزندان شما هستند»^{۲۵}

در ساختار تربیتی اسلام، هویت بخشی به شخصیت دختر متفاوت با پسر است. در زمینه ی علاقه به مذهب، اخلاق و رعایت دستورات الهی، دختران موفق ترند. در واقع، تربیت مذهبی در دختران نافذتر است.^{۲۶} بنابراین دختران از نظر امور عاطفی و تربیتی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند؛ چرا که عامل انتقال معنویات، خلیقات و روحيات به سبب آن هاست. بر همین اساس، پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «پدر و مادری که دختری داشته باشند، پس به او آداب بیاموزند و تربیت و ادب او را نیکو گردانند و نیز به او دانش بیاموزند و علم و دانش او

۲۳. زخرف، ۱۷

۲۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، نشر رضی، قم، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۵

۲۵. همان، ص ۱۱۶

۲۶. قائمی، علی، دنیای بلوغ، سازمان ملی جوانان، تهران، ۱۳۸۰، ص ۸۹

را نیکو سازند و از نعمت‌هایی که خدا بر آنان فرو باریده به‌وفور در اختیار او قرار دهند، آن دختر مانع از آتش و عذاب الهی برای آنان خواهد شد.^{۲۷}

در کنار همه‌ی ویژگی‌های یک زن در جایگاه «دختری»، باید وظایفی که هر فردی، اعم از زن و مرد، نسبت به پدر و مادر خود دارد، نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که این امر، در اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته و رعایت شأن و منزلت و حقوق والدین و ادای حق آن‌ها به انسان‌ها بسیار سفارش شده است.

زن در نقش خواهری

نقش خواهری دومین نقشی است که یک زن می‌تواند در چارچوب خانواده ایفا نماید. «خواهری»، همانند سایر نقش‌های خلقتی زن، جایگاه مشخص و تعریف‌شده‌ای دارد و به هیچ‌وجه قابل جایگزینی نیست. «خواهر بودن» نقش تعادل‌بخش، سرشار از معرفت، بخشش، رحمت، سربلندی و شایستگی است. نقشی روح‌بخش و لطیف با ظرافت‌ها و لطافت‌های خاص خود، که چون از جنس گرایش‌های سیرتی و معنوی است و از فطرت پاک انسانی سرچشمه می‌گیرد، زیباشناسانه و زیباپسندانه است. در تاریخ اسلام، نمونه‌های والا و ارزشمندی از نقش خواهری قابل توجه و بررسی است که در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می‌گردد.

یکی از بانوان نمونه‌ی قرآنی که در نقش خواهری بسیار تأثیرگذار بود، خواهر حضرت موسی (ع) است. وی یکی از افراد تأثیرگذار در زندگی این پیامبر بزرگوار بود و با درایت و زیرکی توانست نقشی سازنده در هدایت زندگی حضرت موسی (ع) به سمتی که خواست خداوند بود، ایفا کرد.^{۲۸}

نمونه‌ی والای دیگری از «خواهری کردن»، در زندگی و شخصیت حضرت زینب (س) تجلی یافت. زینب (س) از ارکان مهم کاروان امام حسین (ع) در کربلا بود و در سرپرستی و اداره‌ی کاروانیان سهمی مهم به‌عهده داشت. او در تمام حرکت‌ها و صحنه‌های غم‌انگیز و با شکوهی که در این مسیر بروز کرد، حضور داشت و در تمام سختی‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌ها خود را با برادرش حسین (ع) سهیم و شریک می‌دانست و برای او یآوری همراه، همدل و غمخوار بود.

زینب کبری (س) هم مانند مادرش فاطمه‌ی زهرا (س) وقتی احساس کرد مسئولیت بزرگ جهاد در راه دین و مبارزه با بی‌دینان به دوشش آمده است و در این راه باید از مال و شوهر و فرزند بگذرد؛ حتی اگر لازم شود از دادن جان نیز دریغ نکند، با کمال شهامت و فداکاری از خانه و شوهر و زندگی دست کشید و فرزندان خود را نیز برای مقابله با دشمنان اسلام به همراه برد و در همه‌جا، یاری مهربان و دلسوز برای برادرش (ولی زمانش) بود.

الگوی دیگری از «خواهری» را می‌توان در شخصیت حضرت معصومه (س) یافت. امام رضا (ع) خواهران زیادی داشت، ولی در میان همه‌ی آن‌ها، حضرت معصومه (س) با ابعادی متفاوت، سفری را در پیش گرفت که همان ویژگی سفر حضرت زینب (س) را دربرداشت. در آن روزگار، که ظلم و خفقان دستگاه بنی‌عباس در همه‌جا سایه افکنده بود، حضرت فاطمه معصومه (س) با تأسی به عمه‌ی بزرگوارش حضرت زینب (س) در مقابل

۲۷. الهمدی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه‌ی الرساله، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۹۳

۲۸. قصص ۱۱ و ۱۲

تهدید و فشارهای حکومت علیه خاندان عصمت (ع)، علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی و بیان احادیث درباره‌ی غدیرخم، ولایت و امامت، در حرکتی سیاسی اجتماعی همراه برادران خویش به عرصه‌ی مبارزه وارد شد و «هجرت» را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود برگزید.^{۲۹}

نمونه‌ی برجسته‌ی دیگری از نقش خواهری، که در تاریخ اسلام می‌درخشد، خواهر امام هادی (ع) است. «حکیمه خاتون» از جانب برادرشان مأموریت راهنمایی و تربیت «نرجس خاتون» مادر امام زمان (عج) را به عهده داشتند. وی تنها فردی از خاندان امام هادی (ع) بود که توفیق و شایستگی تعلیم دادن نرجس خاتون را داشت. شخصیتی که بتواند همسر امام و مادر عصاره‌ی خلقت شود و این نشانگر تبحر و توانایی این بانوی فرزانه در شناخت دین است. همچنین ایشان تنها زنی بود که در شب نیمه‌ی شعبان در کنار بستر حضرت نرگس حضور داشت و توفیق قابلیت امام زمان را داشت.^{۳۰}

زن در نقش همسری

سومین نقشی که زن می‌تواند ایفا کند، نقش همسری است که در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در روایت‌های اسلامی «حسن تبعل» (خوب شوهرداری کردن) در حد جهاد در راه خدا ارزشمند است.^{۳۱} از سوی دیگر، به مردان درباره‌ی همسر داری بسیار سفارش شده است؛ از جمله آنکه: «هر کس دوست دارد خداوند را پاک دیدار کند، باید همسر دار باشد.»^{۳۲} در اینجا به برخی از مهم‌ترین شاخص‌های مثبت همسری در متون دینی اشاره خواهد شد:

الگوی دینی همسری آن است که همه‌ی کارکردهای مورد انتظار از زوجیت در آن دیده شود. در این الگو مهارت‌های ارتباطی اهمیت دارند. اساس ماهیت زوجیت، پیوند و ارتباط است. بنابراین هر آنچه ارتباط زن و شوهر را تعمیق کند در این الگو وجود دارد و هر آنچه به این ارتباط آسیب می‌رساند در آن دیده نمی‌شود. مهارت کلامی در این زمینه نقش مهمی دارد و گفت‌وگوهای زن و شوهر باید به غنی‌سازی فضای انس و الفت کمک کند. در این الگو، زن و شوهر لباس یکدیگرند. این استعار به عیب‌پوشی و کمک به یکدیگر در رفع نیازهای غریزی و جنسی بازمی‌گردد.^{۳۳}

قدردانی، محبت و تمکین، سه اصل اخلاقی علمی مهم‌اند که در الگوی همسری، به‌ویژه از سوی زنان، در تحکیم رابطه‌ی زوجیت مؤثرند. این سه اصل هم در سطح گفتار و هم در سطح کردار باید دیده شود تا تأثیری دوچندان داشته باشد. در کنار آگاهی از وظایف حقوقی، عملکرد نیکوی اخلاقی بهترین نوع رفتار همسری است. این مسئله موجب می‌شود که امور خانواده و زوجیت بیشتر بر مبنای توافق و رضایت دو طرف پیش رود

۲۹. نیکو پرش، فرزانه، هجرت کریمه: بررسی دوران امام رضا (ع) و علل هجرت حضرت معصومه (س)، قم، فجر ولایت، ۱۳۸۱، ص ۹۲

۳۰. شاکری، صدیقه، زندگانی حکیمه خاتون، مجله‌ی انتظار موعود، شماره ۲۲

۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بهار الاتوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳، ق ۱، ص ۵۹۷

۳۲. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم موسسه‌ی آل البیت، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۵

۳۳. بقره، ۱۸۷

تا مرزبندی‌های حقوقی. اصل حسن معاشرت و معاضدت، اصل عامی است که به حکم قرآن همه‌ی این رفتار را پوشش می‌دهد.^{۳۴}

زن در نقش مادری

یکی از مهم‌ترین، سازنده‌ترین و ارزشمندترین نقشه‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند، نقش مادری است. در آموزه‌های دینی، مادری یک ارزش به‌شمار می‌آید که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی، بر عهده‌ی زنان نهاده شده است. نقش مادری تنها در وضع حمل و شیر دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه یک سلسله مسئولیت‌های پرورشی و تربیتی بر عهده‌ی مادر گذاشته شده است که ثمره‌ی آن در هدایت کل جامعه‌ی بشری خود را نمایان می‌کند.

همان‌گونه که لقمه و غذا و شیر مادر در تربیت فرزند تأثیر مستقیم دارد، اندیشه و تربیت و رفتار مادر نیز در روح فرزند تأثیرات غیرقابل انکاری دارد که مسئولیت زنان را در این بُعد بسیار والا و بزرگ می‌نماید. به این سبب، برای زحمات مادر، پاداش‌های عظیمی همانند ثواب جهاد و شهادت قرار داده شده است.^{۳۵} در حقیقت، مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح و اخلاق و رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند.

یکی از مهم‌ترین وظایفی که در داخل خانه و خانواده به عهده‌ی زنان است، مسئله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند خودداری می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند؛ خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی هم متوقف به وجود آن‌ها نیست، رها می‌کنند؛ دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند. هم به ضرر فرزندشان و هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند؛ اسلام این را اجازه نمی‌دهد.^{۳۶}

موقعیت اجتماعی زن در اسلام

اسلام میان زن و مرد از جهت تدبیر امورات اجتماع یا تصمیم‌گیری و کار، تساوی برقرار کرده است. علتش این است که همان‌طور که مرد می‌خواهد زندگی کند، زن نیز می‌خواهد زندگی کند. به دلیل این که زنی و مردی در آنچه بنیة انسان در خوردن و آشامیدن و جزاین دوا، از لوازم بقا نیاز دارد، برابرند. خداوند متعال فرموده است: «بعضکم من بعض».^{۳۷} شما (زنان و مردان) از جنس همدیگر می‌باشید. همان‌طور که مرد می‌تواند خودش در

۳۴. علاسوند، همان، ص ۹۴

۳۵. مظاهری، حسین، اندیشه‌های ناب: سیمای زن در اسلام، موسسه‌ی فرهنگی مطالعاتی الزهرا، ۱۳۹۱، ص ۱۹

۳۶. خامنه‌ای، همان، ص ۲۳۹

۳۷. آل عمران، ۱۹۵

سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و مستقل عمل کند و نتیجه عمل خود را مالک شود، زن نیز چنین حقی را دارد، بدون هیچ تفاوت. «لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت»^{۳۸} برای زنان آنچه به دست آورده اند و به ضرر آنهاست بدیهایی که کرده اند. پس زن و مرد در آنچه که اسلام و قرآن آن را حق می داند، برابrand، خداوند حق را با کلماتش برقرار میکند. چیزی که هست، خداوند در آفرینش زن، دو خصلت قرار داده که به آن دو خصلت، زن از مرد امتیاز پیدا میکند:

- ۱- زن، به منزله ی کشتزاری برای پیدایش نوع بشر قرار داده شده است، تا نوع بشر در این صدف تگون یافته و نمو کند، و به همین جهت، او احکام مخصوصی دارد و با همان احکام از مرد ممتاز میشود .
- ۲- خداوند، خلقت زن را لطیف قرارداد، و (برای اینکه زن مشقت بچه داری و رنج اداره منزل را تحمل کند)، شعور و احساس او را ظریف کرد. همین دو خصوصیت، (یکی در جسم و دیگری در روح) در وظایف اجتماعی و اگذار شده به او، تاثیر دارد .

مشارکت سیاسی زنان

مشارکت سیاسی زنان که هم عمل سیاسی و هم تصدی مناسب سیاسی را شامل می شود همواره از مشارکت مردان پایین تر بوده است دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی پاسخ های متفاوتی به چرایی این مسئله داده اند خلاصه ای از این نظریه در ذیل ارائه می شود:

نظریه اختلاف فیزیولوژیکی:

بنابر این نظریه علت مشارکت سیاسی کم تر زنان وضعیت جسمانی آنان است توان جسمی کم تر در زنان وضعیت های جسمانی مرتبط با بارداری، زایمان و شیردهی و چگونگی عملکرد مغز که در نوع علایق و توانمندی های زنان و مردان تأثیر می گذارد موجب می شود زنان در فعالیت ها و تصمیم گیری های اساسی جوامع مانند تصمیم گیری درباره جنگ و صلح و اداره یک جامعه و ورود به گفتمان های قدرت که در اختیار بود شرکت نکنند.

نظریه اجتماعی شدن :

این نظریه به اختلاف های زیست شناختی چندان اهمیت نمی دهد بلکه بر شیوه های اجتماعی کردن دختران و پسران تأکید دارد ارزش ها و الگوهای رفتاری و تحسین ها و نقبیح هایی که دختران و پسران دریافت می کنند همواره متفاوت بوده اند دختران معمولاً برای نقش های خانگی و پسران همواره برای نقش های کلان اجتماعی آماده می شوند در بیش تر جوامع فعالیت یا مدیریت سیاسی شغلی مردانه تلقی می شود که زنان از

آن برحذر داشته می شوند. زنان حتی در گفت وگوهای سیاسی شرکت نمی کنند وقتی آنان درگفت وگوهای سیاسی شرکت نکنند بینش و حساسیت های سیاسی پیدا نمی کنند و عمل سیاسی شان ضعیف می شود.

نظریه روان شناختی:

زنان ویژگی های روحی و روانی دارند که آن ها را محافظه کارتر، راست گوتر، مذهبی تر و سنت گرا تر می کند. مهربانی، غیر رقابتی بودن و تسلیم پذیری ویژگی هایی اند که زنان را از فضاهای سیاسی دور می کنند. روحیه پرخاشگری و رقابت جویی که رگ حیات فعالیت است در زنان کم تر است بر این اساس زنان برای ورود به عرصه سیاست تمایل چندانی نشان نمی دهند^{۳۹}

آزادی زنان

یکی از خواسته های فطری و غریزی بشر در تمام دوران تاریخ، آزادی بوده است و هر انسان روشن ضمیر دوست دارد که آزادانه بیاندهد و آزادانه انتخاب کند و به آن چه با تعقل انتخاب کرده آزادانه عمل نماید. زنان که حدوداً نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می دهند، در قرون متمادی از این نعمت و موهبت الهی محروم بوده اند و در تمام زمینه های فردی و اجتماعی مورد ظلم و جور قرار داشته و در چنگال جبر، محصور بوده اند.

ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می گیرند، قوانین رهایی بخشی انسان ها را بیان داشته اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل ترین آن هاست برنامه ها و تعالیم ناب خود را در زمینه آزادی انسان ها و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانینی دقیق و نظام مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به سوی جایگاه واقعیشان رهنمون ساخته است. در اسلام مرد و زن در یک صف قرار می گیرند و با الفاظی همچون «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مورد خطاب واقع می شوند و با آیاتی همچون «ومن عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة»^{۴۰} و «کل نفس بما کسبت رهینه»^{۴۱} به آنان استقلال در عمل داده می شود.

البته چون انسان موجودی دو بعدی است (که یکی بعد حیوانی و دیگری بعد روحانی می باشد) آزادی او نیز در هر دو بعد مطرح است. اسلام با محدود کردن آزادی در بعد جسمانی و حیوانی، زمینه آزادی در بعد انسانی و روحانی و رشد و تکامل اخلاقی را فراهم نموده است، ولی در دنیای امروز مخصوصاً از عصر رنسانس تا کنون که سکولاریزم رفته رفته آثار شوم خود را در پهنه جوامع انسانی می گستراند، دین و به تبع آن بعد روحانی

۳۹. حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، ص ۲۹۳

۴۰. غافر، ۹۰

۴۱. مدثر، ۳۸

انسان به فراموشی سپرده شده و در تمام آزادی های مطرح شده در مورد زنان و غیره، فقط به جنبه جسمانی و حیوانی او توجه شده است. شهید مطهری رحمه الله درباره تفاوت بین آزادی در اسلام و آزادی در غرب می گوید: «دمکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده، حال آن که این واژه در قاموس غرب معنای حیوانیت رها شده را متضمن است». ^{۴۲}

آزادی زن در تمدن غرب

غربی ها مساوات همه جانبه ای میان زن و مرد در حقوق برقرار کردند و سال ها در این باره کوشش نمودند و خلقت زن و تأخر کمالی اش را در نظر نگرفتند دیدگاه عمومی آن ها تقریباً این است که نقش زن در کمال و فضیلت به بدی تربیتی مربوط است که قرن ها با آن تربیت شده و از آغاز خلقت دنیا تا کنون در محدودیت ساختگی به سر برده است و گر نه طبیعت و خلقت زن و مرد باهم تفاوتی ندارد مؤید این سخن روش خود غربی هاست که نهایت تلاش و توجه خود را به کار برده اند تا زن را از عقب ماندگی نجات داده و زمینه پیشرفت و ارتقای او را فراهم کنند اما تا کنون نتوانسته اند میان زن و مرد تساوی برقرار کنند و پیوسته آمارگیری های جهان این نتیجه را ارائه می دهد که در این کشور ها در مشاغلی که اسلام زن را از آن محروم کرده یعنی قضاوت و حکومت و جنگ اکثراً برتری با مردان بوده و همواره عده ای کم از زنان عهده دار این گونه مشاغل شده اند.

چند پرسش و پاسخ

*** چرا نعمت های بهشتی بشارت های قرآن، غالباً به لفظ مذکر آورده شده است؟ مگر خانم ها از نعمت های بهشتی محرومند؟ در پاسخ این سؤال توجه به دو نکته لازم است:**

- (۱) بشارت های قرآن برای ورود به بهشت به پرهیزکاران و صالحان است و فرقی بین زن و مرد نیست. البته ضمیر های خطاب مذکر قرآن، بیش از مؤنث است و این مربوط به ادبیات عرب و بسیاری از کشور ها و اقوام است که با صیغه های مذکر، خطاب های عمومیشان را بیان می کنند. برای مثال هنگام سلام می گویند «سلام عیکم»؛ درحالی که ممکن است در مجلس چند مرد و چند زن حاضر باشند و گفته نمی شود: «وسلام علیکن». حتی اگر چند زن هم باشند، با ضمیر «کم» سلام می کنند. البته این گونه محاوره، اختصاص به بشارت ها ندارد و در مورد عذاب نیز خطاب به مردان است اگر چه شامل زنان نیز می شود؛ اما کسی اعتراض نمی کند. ^{۴۳}
- (۲) برخی مفسرین معتقدند که چون روش قرآن رعایت عفت کلام است، لذا برجسته کردن لذت های زن دور از متانت و حیای زن است، از این رو بیش تر با ضمائر مذکر نعمت ها را بر صاحبان آن برشمرده است. چنین

۴۲. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۰۴

۴۳. محمد تقی مصباح یزدی، پرسش ها و پاسخ ها، ج ۵، ص ۳۰

امری در فرهنگ عمومی و خانواده های با شخصیت معمول است و قرآن کریم هم بر اساس فرهنگ محاوره سخن می گوید. البته در بسیاری از بشارت ها مانند «حیات طیّب»^{۴۴}، «رضایت و رضوان الهی»^{۴۵}، «پاداش عمل خیر»^{۴۶} و... که متانت و حیای زن در آن محفوظ است، از زن و مرد نام برده شده است. بنابر این قرآن عنصر جنسیت را در حقیقت انسان دخیل نمی داند و بسیاری از بشارت ها و خطاب های قرآنی متوجه حقیقت انسانی است. حقیقتی که زن بودن یا مرد بودن وابسته به آن نیست.

آیا برای زنان نیز همسران بهشتی (حورالعین) وجود دارد؟

واژه «حور» بنابر یکی از ریشه های لغت «حورعین» به معنای زیبایی سیاه چشمان است و در مجمع البیان آمده «حور» جمع «حوراء» و آن به معنای زن سفید بدن و سیمین تن است و «عین» جمع «عیناء» و آن زنی است که حدقه چشمش بزرگ باشد که سبب زیبایی بیشتر است.

علامه طباطبایی و گروهی براین عقیده اند که: مراد از حور «طائفه مؤنث» است نه طائفه مذکر.^{۴۷} اما آیه الله مکارم شیرازی و دبرخی دیگر مدعی اند: حورالعین می تواند مذکر هم باشد. از مضمون بعضی از آیات و روایات، برداشت می شود که مسئله لذت های جنسی، اختصاص به مردان ندارد؛ بلکه زنان نیز در بهشت می توانند برای خویش، شوهرانی دلخواه برگزینند.

ناگفته نماند؛ زنان دنیا که اهل بهشت باشند بازبایی و شکوهی برتر از حوریان در بهشت حضور دارند؛ ممکن است سؤال شود که اگر زنی چند شوهر کرده باشد و یکی پس از دیگری مرده باشند، در بهشت به کدام یک از این شوهران تعلق می یابد؟

«ام سلمه از رسول خدا پرسید: پدر و مادرم فدای شما باد؛ زنی دو شوهر داشته و هر دومرده و وارد بهشت شده اند؛ این زن به کدام یک از این دو تعلق دارد؟ فرمود: ای ام سلمه! هر کدام که بهتر است و حسن خلقش بیشتر است، او را انتخاب می کند. ای ام سلمه: بدانکه حسن خلق خیر دنیا و آخرت را با خود می آورد.» همین مطلب را ام حبیبه همسر دیگر پیامبر (ص) نیز از آن حضرت پرسید و ایشان همان جواب بالا را فرمود.

چرا زنان شش سال زودتر از مردان مجبور به انجام نماز و روزه و سایر تکالیف شده اند؟ آیا این ظلم در حق زنان نیست؟

توجه به این نکته لازم است که تشرف به تکلیفی یکی از الطاف الهی و وجه تمایز بین انسان و دیگر مخلوقات است. انسان به لحاظ استعداد ها و جایگاه ویژه ای که نزد خداوند متعال داردمورد خطاب و امر و نهی او قرار می

۴۴. نحل، ۹۷

۴۵. توبه، ۷۲

۴۶. آل عمران، ۹۵

۴۷. ترجمه المیزان، ص ۲۴۰ و ج ۱۹، ص ۲۲۳ و ۲۴۷

گیرد تا به واسطهٔ عمل به دستورات الهی زمینهٔ تکامل و سعادت ابدی را کسب کند. پس تکلیف لطفی است که خداوند در حق انسان نموده و از سوی دیگر احکام شرعی، آدمی را در چارچوب قوانین و نظم خاص قرار می دهد و از آنجا که دختران دارای روحیهٔ لطیف هستند و مسئولیت آنها در نهاد پاک خانواده بسیار مهم است، لازم است مراقبت خانواده و دستورالعمل های الهی زودتر شامل حال آنان گردد. علاوه بر اینکه تحولات هورمونی و جنسی و حتی عاطفی و ذهنی در دختران زودهنگام تر است «بلوغ» را زمینهٔ تشرّف به مقام عبودیت دانست و این توفیقی برای زن است که زودتر از مرد شایستگی خطاب الهی را کسب می کند. البته باید قدر این نعمت را دانست و شکر آن را به جای آورد. شاید بدین جهت است که برخی از بزرگان و علماء، روز بلوغ شان را جشن می گرفتند و امروزه نیز این سنت حسنه (جشن تکلیف)، در کشور ما رونق بسزایی یافته است. بنابر این نه تنها در حق زنان ظلم نشده است، بلکه آنان مورد عنایت ویژه قرار گرفته اند. دین اسلام، عنایت خاصی نسبت به زن دارد که او را زودتر از مرد، مشرّف به درگاه حضرت حق کرده است.

امام سجاد در «مناجات الذاکرین» می فرماید: «یا من ذکره شرف»؛ «ای خدایی که نام تو مایهٔ شرافت است» «زن ریحانه است نیاز به مراقبت سریع تر و بیشتر دارد. درست است که باغبان هر انسانی خداوند است؛ «والله انبتکم من الارض نباتا»^{۴۸}

منتها همان باغبان بهتر می داند که کدام گل را بهتر و زودتر از دیگر گل ها باید حفظ کرد و کدام نهال را باید بیشتر پذیرایی کرد. این پذیرایی ویژه الهی نشانه عظمت زن است. وقتی زن عظمت خود را می یابد که بداند خداوند او را شش سال زودتر از مرد می پذیرد. با این بینش در می یابیم که نه تنها در این مورد به زنان ظلمی نشده است، بلکه آنان مورد عنایت ویژه قرار گرفته اند»^{۴۹}.

چرا باید زنان پوشش خود را در نماز حفظ کنند؟ اگر چه در خانه تنها باشند مگر خدا نامحرم است؟

باید دانست، اهمیت و فواید نماز در زندگی انسان دارای ابعاد بسیاری است، که مهم ترین آن رشد روحیهٔ عبادت و ارتباط با خدا و همچنین نهادینه شدن رفتار های صحیح فردی و اجتماعی است مانند رعایت نظم در زندگی با التزام به اوقات نماز و رعایت حقوق دیگران با خودداری از غصب مکان و لباس و نسبت به زنان نیز رعایت حجاب و پوشش در نماز های پنجگانه تمرین مستمر برای نهادینه شدن این رفتار شایسته برای زنان در طول روز و در ارتباط با دیگران می باشد. حتی در مورد مردان نه تنها بابت نماز خواندن باطل و دور از روح خضوع و احترام به ساحت مقدّس پروردگار است بلکه بهتر این است که علاوه بر پوشش مقدار واجب بالباسی نماز بخواند که نشانهٔ احترام باشد اما از آنجا که اهمیت پوشش برای زنان بیشتر است بر آنان واجب شده است. البته حکمت اصلی این حکم را خداوند متعال می داند اما می توان گفت که شکی نیست که خداوند از همه چیز و در همه حال با خبر است و پوشیده و پنهان برای او مفهومی ندارد، با بندگان خود نیز نامحرم نیست، ولی انسان در حالت عبادت، خود را در حضور خدا می بیند و با او سخن می گوید و به راز و نیاز با او برمی خیزد.

۴۸. نوح، ۱۷

۴۹. عبد الله جوادی آملی، زن در آیینه جمال و جلال، ص ۲۱۶-۲۱۷

«وقل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله والمؤمنون و ستردون إلى عالم الغیب والشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون»^{۵۰}؛ «بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، باز گردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!».

در چنین حالی باید مناسب ترین لباس را در حضور او پوشید و روشن است که مناسب ترین لباس برای زن همان لباس کامل است، یعنی لباسی که نشانه عفت و پاکدامنی اوست و بهترین حالات او را منعکس می کند، تنها چنین لباسی شایسته حال عبادت باشد.^{۵۱}

چرا احکام ویژه زنان توسط مردان نوشته می شود در حالی که زنان چه بسا به مسائل خودشان بیشتر از مردان آگاه باشند؟

احکام اسلامی، برگرفته از تشریع و قانون گذاری خداوند است که توسط پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم (ع)، به مردم ابلاغ شده است. بنابراین منشأ و مبنای اعتبار احکام و مقررات در همه ادیان و به طور مشخص در اسلام، اراده و خواست خدای متعال است و همان گونه که ابلاغ آیات و احکام توسط پیامبران و امامان که همگی مرد بودند هیچ مشکلی را ایجاد نکرده بیان احکام زنان از سوی مراجع تقلید مرد نیز مشکلی را به وجود نخواهد آورد. گرچه به لحاظ فتوای برخی از مراجع بزرگ، زنان می توانند برای سایر زنان مرجع تقلید شوند و زنان از وی پیروی کنند. اما در اصل استنباط و کشف حکم تفاوتی میان زن و مرد نیست و از جهت موضوع شناسی، مراجع تقلید نیز، می توانند از زنان درباره امور اختصاصی مشاوره بگیرند و مسایل فقهی را براساس آن و مدارک دیگر استنباط کنند. هم چنان که پزشک مرد که در زمینه بیماری های زنان تخصص دارد هرگز مشکلات بارداری، قاعدگی و... را احساس نکرده است؛ اما این امر دلیل نمی شود که وی نتواند در این زمینه نظر بدهد و به معالجه بپردازد.

نکته ای که شاید دغدغه بعضی بانوان محترم باشد و آن احتمال جهت گیری مردان به نفع مردها یا به ضرر زن ها باشد که شرط عدالت و تقوا در مرجعیت آن هم در حد بسیار بالا مانع این جهت گیری و غرض ورزی خواهد شد و در حقیقت احکام زن یا مرد نداریم بلکه آنچه برای مرجع تقلید مهم است استنباط احکام الهی است که صاحب نظران با تقوا و بی غرض به کشف آن می پردازند.^{۵۲}

۵۰. توبه، ۱۰۵

۵۱. محمدی ار شتهادی، پوشش زن در اسلام، ص ۴۵، نمونه، چاپ چهارم، ۱۳۶۶

۵۲. جستاری در هستی شناسی زن، اسد الله جمشیدی و...، ص ۷۷ به بعد

با توجه به این که زیبایی زن بیشتر به چشم و چهره او می باشد چرا اسلام پوشیدن مو را جزو حجاب اسلامی قرار داده اما پوشش دست و صورت را واجب نکرده است؟

حجاب در واقع مصونیت و سلامت است نه محدودیت. و به تعبیر زیبای شهید مطهری با همه اهمیت که حجاب از نظر دینی دارد ولی در عین حال نباید به گونه ای باشد که سبب گرفتاری و یا مانع فعالیت صحیح زن شود. علت واجب نبودن پوشش دست و صورت (وجه و کفین) به خاطر جلوگیری از بروز سختی و دشواری برای زن بوده است.^{۵۳} همچنین صورت و دست زن در حالی که ساده و عادی و طبیعی بوده و با هیچ آرایشی همراه نباشد معمولاً جلب توجه نمی کند و تنها در این صورت است که شرع مقدس پوشش آن را واجب نکرده است. اما اگر زنی بخواهد با دست و صورت آرایش شده در محیطی عمومی ظاهر شود، حتماً باید صورت خود را بپوشاند. علاوه بر اینکه واجب نبودن پوشش قرص صورت و دست (از منچ تا سر انگشتان) بدین معنا نیست که زن می تواند صورت خود را به دیگران بنمایاند و یا مرد مجاز به نگاه آن باشد. از این رو همان گونه که در توضیح المسائل مراجع تقلید آمده است، نگاه کردن زن و مرد نامحرم به صورت یکدیگر با قصد لذت حرام و گناه است ولی نگاه معمولی و بدون دقت مانعی ندارد.^{۵۴}

خلاصه این که اصل دستور پوشش به عنوان یک راهکار مصونیت بخشی و نه محدودیت زایی، نباید به گونه ای طرح شود که به انزوای زنان و رکود فعالیت اجتماعی آنان منجر گردد. پوشش به عنوان مانعی در برابر زیاده طلبی ها و ابتذال اخلاقی قرار داده است و این مصونیت بخشی گرچه محدودیت زاست اما باید تا آن جا که ممکن است، دو هدف مصونیت بخشی و حضور زنان در عرصه فعالیت اجتماعی، با هم جمع شود.

در این باره گفتنی است، ناظر به مقام تعارض یا تراحم حقوق و تکالیف و مسئولیت هاست. به عبارت دیگر هرگاه حضور زنان در مساجد برای عبادت، مزاحم انجام وظیفه مادری نسبت به فرزندان و یا همسر باشد و یا نحوه حضور در تعارض با سایر ارزش های اسلامی باشد مثلاً حضور در جمعه و جماعت بهانه یا باعث اختلاط زن و مرد گردد، نارواست. بنابراین، مساجد زنان، خانه آنهاست و چنانچه زنانی به قصد قربت دوست داشته باشند در مسجد عبادت کنند ولی به دلیل موانع یاد شده، فرصت حضور نیابند؛ خدای متعال همان ثواب عبادت در مسجد را به آنها عنایت خواهد کرد.

بنابر آنچه گفته شد؛ اسلام با وضع چنین قوانینی بیش از پیش به تحکیم خانواده و حفظ شخصیت زن می اندیشد و شخصیت زن و تحکیم خانواده از نظر اسلام اهمیت بیشتری دارد. همچنین حضور در جماعت و جمعه، معمولاً بادشواریهایی همراه است از این رو اسلام برای رعایت حال زنان و نیز برداشتن رنج و مشقت شرکت در

^{۵۳} شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۰۳-۲۰۹

^{۵۴} رساله مراجع تقلید، بحث نگاه

نماز جمعه وجماعت، این تکلیف را از آنان برداشته است اگر چه در اسلام سفارش شده است تا زنان نمازشان را در منزل بخوانند و این برای آنان از حاضر شدن در جماعت و مسجد بهتر است «عن أبي عبد الله (ع) أنه قال: خير مساجد نسائكُم البيوت»^{۵۵}

امام صادق فرمود: «بهترین مساجد برای زنان شما، خانه هایتان است». اما این بدان معنا نیست که از نظر ثواب محروم بمانند زیرا این با عدل خدا سازگار نیست که راه کسب ثواب را مسدود نماید بلکه همان ثواب جماعت به وی داده می شود «قال النبی (ص) صلاه المرأة وحدها فی بیتها کفضل صلاتها فی الجمع خمساً وعشرين درجة»؛ «پیامبر اکرم فرمود: نماز زن به تنهایی در خانه اش، مانند فضیلت نماز وی در جماعت است با بیست و پنج درجه». کما اینکه در باب جهاد هم همینگونه است یعنی اگر زنان از حضور در میدان جنگ منع شده اند و تکلیف از آنان برداشته شده است و تنها مردان هستند که به میدان جهاد و مقام مجاهد دست می یابند اما در مورد زنان هم برای جبران ثواب شوهر داری قرار داده شده است.

«عن النبی (ص) قال: جهاد المرأة حسن التبعل لزوجها»؛ «جهاد زن، نیکو شوهر داری است». البته زنان می توانند با حفظ حجاب کامل و شئون اسلامی در نماز جماعت و جمعه حضور پیدا کنند و نمازشان صحیح است و اگر حضور ایشان جنبه دفاع از دین، ولایت و نظام اسلامی باشد، ترجیح دارد چنان که حضرت زهرا (ع) در مسجد حضور پیدا کرد.

در حکمت ۲۳۰ نهج البلاغه آمده است: (المرأة شر کلها وشر مافیها انه لا بد منها) پاسخ شما چیست؟

در پاسخ به این سؤال دو نکته حائز اهمیت است:

(۱) طبق روایات، زن خوب از تمام خوبی ها برتر است. امام صادق (ع) می فرماید: «أكثر الخیر فی النساء»^{۵۶}؛ «بیشتر خوبی ها در زنان است». وزن بدن نیز از تمام بدی ها بدتر شر «المرأة کلها». همان گونه که ملاحظه می شود در نگاه اول به نظر میرسد که بین روایات تعارض باشد در حالی که چنین نیست. زیرا شأن نزول بسیاری از این روایات به دلیل سؤالاتی بود که از ائمه (ع) می شده و آن بزرگواران بنا بر شرایط و موقعیت های مختلف گاهی جواب های به ظاهر متضاد میدادند. اما همگی بیانگر واقعیت ها و در حقیقت راهنمایی ها و روایات امامان (ع) مانند تابلوی راهنمایی و رانندگی در جاده هاست. برای مثال تابلوی سرازیری و شیب تند، به معنای بدی راه نیست اما راننده باید توجه داشته باشد که اگر تند براند، احتمال تصادف و سقوط در دره هست. مردان نیز باید توجه داشته باشند دلربایی ها و زیبایی های زنان آنان را مجذوب خود نسازد و آنان را در سراسیمگی تند زندگی قرار ندهد. نگرش اصیل و اصلی اسلام به زن به عنوان نعمتی الهی است که استعداد های فراوانی در وجود او به ودیعه نهاده شده است و اگر این استعدادها در مسیر هدف آفرینش و طاعت و بندگی خدا باشد، بیشترین خیر و خوبی را دربر خواهد داشت. ولی اگر همین استعداد های فوق العاده

۵۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱، ح ۳۲
۵۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، مجلدات ۳۰، ج ۲۰، ص ۲۴

در غیر مسیر هدف خلقت و اطاعت و عبادت خداوند قرار گیرد، زمینه ساز فساد و تباهی برای خود و جامعه خواهد بود.

امام صادق (ع) می فرماید: «...لیس للمرأة خطر لالصالحتهن ولالطالحتهن أماصالحتهن فلیس خطرها الذهب والفضه، بل هی خیر من الذهب والفضه واما طالحتهن فلیس التراب خطرها بل التراب خیر منها»؛ «زنان قابل ارزش گذاری نیستند، نه صالحشان و نه گمراهشان. اما صالح ایشان با طلا و نقره قابل قیمت گذاری نیستند چون خاک بالارزش تر از آنان است».

۲) مقصود امیرالمومنین (ع) در این روایت، هشدار به مردان است که در نحوه برخورد و معاشرت با زنان به گونه ای عمل نکنند که از اهداف خویش باز بمانند و به طور دائم مشغول معاشرت با زنان باشند که این معاشرت دائمی و سرگرم بودن افراطی شر خواهد بود زیرا مانع رسیدن آنان به اهدافشان خواهد شد. اما از سوی دیگر لازمه زندگی، همراهی و هم نشینی با آنان است.

*** نتیجه گیری ***

در بینش و جهان بینی اسلامی زن و مرد از جهات بسیاری با هم برابر و یکسانند. در ماهیت و سرشت وجودی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو از گوهر انسانی مشترکی برخوردار هستند. انسانیت محور تقسیم زن و مرد است. زن و مرد هر دو به طور مشترک از روح الهی برخوردارند. همچنین زن و مرد در هدف غایی آفرینش، اشتراک دارند نه آنکه یک جنس محور اصلی هستی باشد و جنس دیگر فرعی و یا طفیلی و هیچ کدام مقدمه وجود دیگری نیست. در استعدادها و قابلیتها، هر دو جنس زن و مرد از استعدادهای مشترکی همچون استعداد کمال یابی، فضیلت خواهی، قرب به خدا، انحطاط و سقوط برخوردارند. هدف خلقت زن و مرد هر دو عبودیت و بندگی خداست، از نظر کسب ارزشها، نیز هر دو در یک رتبه هستند. زن و مرد بودن در کسب ارزشها تأثیری ندارد، اما این برابری در کمالات و دستیابی به مقامات معنوی و انسانی، بندگی و تعبد الهی و کرامت وجودی انسان بر سایرین است نه در احکام و وظایف.

منابع:

۱	دکتر ثریا مکنون ، مریم صانع پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام و..... ، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی	چاپ چهارم ۱۳۷۴
۲	اسدالله جمشیدی ، غلامعلی عزیزی کیا، حسن زارع و احمد طاهری نیا ، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی شناسی زن ، قم ، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله	چاپ سوم ۱۳۸۸
۳	علامه سید محمد حسین طباطبایی ، زن در قرآن ، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران ، مرکز نشر هاجر	۱۳۸۷
۴	فربیا عباسوند ، زن در اسلام ، قم ، حوزه علمیه قم ، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران ، مرکز نشر هاجر	چاپ اول ۱۳۹۰
۵	علامه سید محمد طباطبایی ، زن در اسلام ، قم ، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی	۱۳۸۴
۶	جمعی از خواهران طلبه حوزه های علمیه ، زن از دیدگاه ادیان و مکاتب ، قم	۱۳۷۹
۷	جوادی آملی ، عبدالله ، زن در آئینه جمال و جلال ، نشر اسراء	چاپ اول ص ۲۱
۸	مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، بحارالانوار ، بیروت ، مؤسسه الوفاء	چاپ سوم ۱۴۰۳ ق ص ۵۹۷
۹	حر عاملی ، محمد حسن ، وسائل الشیعه ، قم ، مؤسسه ی آل البیت	چاپ اول ۱۳۶۶ ص ۲۵
۱۰	مظاهری ، حسین ، اندیشه های ناب: سیمای زن در اسلام ، مؤسسه ی فرهنگی مطالعاتی الزهرا	۱۳۹۱ ص ۱۹
۱۱	محمدی اشتیاردی ، پوشش زن در اسلام ، ص ۴۵ ، قم ، نمونه	چاپ چهارم ۱۳۶۸

جایگاه زن در اسلام